ملاحظاتی در باب مقالات سرگذشت خود کامگی

پرولتاریا دیکتاتور نیست

سلسله مقالات «سرگذشت خود کامگی» که حاصل قلم استاد دکتر عزت الله فولادوند بود و چندی پیش در صفحه فرهنگ و اندیشه «ایران» به چاپ رسید با واکنش های گوناگونی مواجه شد. پاره ای از اهل نظر عرضه آن مقالات را از جمله اقدامات روشنگر و راهگشای مطبوعات به شمار آوردند و بر نگارنده آن درود فرستادند. پاره ای دیگر خواستار استمرار آن مباحث و گسترش دامنه آن پژوهش به جغرافیای سیاسی مشرق زمین از جمله ایران بودند. پاره ای دیگر، اما لحن و لسان آن مقالات را برنتافتند و در آن مجموعه به دیده نقد نظر کردند. آنچه از پی خواهد آمد یکی از همین نقدنامه هاست. ناقد - چندان که از این نوشته آشکار است - به آموزه های چپ تعلق خاطر دارد و از همین زاویه به بررسی مقالات سرگذشت خود کامگی نشسته است. گو اینکه «ایران» در مقام قضاوت، مقاله ناقد محترم را بعضاً حاصل سوءبرداشت ها می داند اما در مقام یک رسانه، جهت حفظ بی طرفی، آن را به دست چاپ می سپارد. ناگفته پیداست که بسط و بلوغ فضای فرهنگی کشور در گرو دمیدن به کوره مباحثاتی است که در باب مسائل بنیادی در گرفته است. «ایران»، از نظرات اصحاب فکر - خاصه از ملاحظات استاد فولادوند - پیشاپیش استقبال می کند.

گروه اندیشه

سیامک طاهری

جناب آقای دکتر عزت الله فولادوند سلسله مقالاتی را در روزنامه ایران زیر عنوان «سرگذشت خود کامگی» به رشته نگارش در آورده اند. ایشان در بخش نخست این نوشتار به نام دیکتاتوری و دشمنان آن در تعریف دیکتاتوری چنین می فرمایند: «غرض از دیکتاتوری تسلط نامحدود فرد یا محفل یا گروهی کوچک بر دستگاه دولت است.» اما وقتی کار به مثال زدن می رسد کسانی چون پرون و کمونیسم در کوبا را در کنار فالانژیست های اسپانیا قرار می دهند. برون صرف نظر از درستی یا نادرستی دیدگاه هایش در آرژانتین از محبوبیت بی مانندی برخوردار بود به طوری که پس از برکناری او توسط عوامل آمریکا همسرش با رأی بالا به ریاست جمهوری رسید. آیا این واقعیت با تعریف استاد فولادوند در تناقض نیست؟ در همین نوشتار و اندکی پایین تر می خوانیم «بعضی از پژوهشگران هم معتقدند که ریشه توتالیتاریسم کمونیستی، دموکراسی برابری خواهانه و منجی طلبانه انقلاب کبیر فرانسه بوده است.» تشخیص این که این پژوهشگران دارای چه جهت گیری سیاسی هستند و در کجای جغرافیا سیاسی جهان ایستاده اند چندان مشکل نیست. اما وقتی استاد از چنین پژوهشگرانی نام می برند آیا نشان از حمایت تلویحی ایشان از آنان ندارد؟ آقای فولادوند در جایی دیگر از قول لویی آگوست بلانکی چنین می نگارند: «(او) بانی این نظریه بود که برای محقق شدن کمونیزم، افلیتی انقلابی باید متوسل به دیکتاتوری شود. مارکس و انگلس از این نظریه انتقاد کردند، اما نه به دلیل بیزاری از دیکتاتوری، بلکه به این دلیل که دیکتاتوری باید فراتر از هر شخص یا گروه مشخصی به کل طبقه کارگر تعلق بگیرد. به نظر مارکس، کمون ۱۸۷۱ پاریس نخستین کوشش ملموس و واقعی برای استقرار دیکتاتوری پرولتاریا بود» و «حکومت موقت [منظور سلطنت طلبان] با اعزام نیروهای مسلح بشدت عمل کرد و در ظرف یک هفته از ۲۱ تا ۲۸ مه که به هفته خونین معروف شد، مدافعان کمون را که در خیابان ها سنگر گرفته بودند [بخوانید جمهوری خواهان] و ساختمان های دولتی را به آتش می کشیدند، به کلی سرکوب کرده در این جریان بیست هزار از مدافعان و هفتصد و پنجاه تن از لشکریان دولت کشته شدند.»

آقای فولادوند آیا متوجه تفاوت نظر مارکس و انگلس و درک آنان از دیکتاتوری با تعریف خودشان از این مقوله نیستند؟ ایشان دیکتاتوری را «تسلط نامحدود فرد یا محفل یا گروهی کوچک بر دستگاه دولت» می دانند حال آن که مارکس و انگلس و پس از آنان لنین آن را دیکتاتوری یک طبقه بر طبقه دیگر می دانستند. راستی یک فرد و یا گروهی کوچک و یا یک محفل می توانند بر دستگاه دولت تسلط نامحدود داشته باشند؟ در صورتی که تعریف استاد درست باشد آیا برای مبارزه با این گروه کوچک، اقدام گروه کوچک دیگری چاره ساز نخواهد بود؟ و آیا این تعریف راه را برای تروریسم نمی گشاید؟ مطمئناً استاد قصد تبلیغ برای تروریسم را ندارند اما درک نادرست ایشان از دیکتاتوری، ایشان و خوانندگان را به بیراهه می برد. حق با مارکس، انگلس و لنین است. هر دیکتاتوری نماینده یک طبقه حاکم است و این طبقه است که از دیکتاتور خود حمایت می کند (چنان که دیکتاتور مزبور نیز از منافع آن طبقه حمایت می کند) و درست به همین دلیل است که مارکس، انگلس و لنین با تروریسم مخالف بودند چرا که با ترور فقط می توان فرد یا افرادی از یک سیستم را از میان برد به عبارت دیگر یک مهره را از میان می رود و مهره ای دیگر جایگزین آن می شود و اما ادامه مطلب:

«پس از این که قدرت در ۱۹۱۷ در روسیه به دست حزب بلشویک به ریاست لنین افتاد مفهوم دیکتاتوری پرولتاریا هم شاخ و برگ بیشتری پیدا کرد و لنین بعضی تغییرات اساسی در آن داد. لنین مدافع سرسخت این فکر بود که وجود یک قدرت دیکتاتوری نامحدود بی گذشت و آشتی ناپذیر برای سرکوب دشمنان پرولتاریا ضروری است وگرنه گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم محال خواهد بود. او بر خلاف مارکس بر این نظر بود که اعمال قدرت دیکتاتوری به دست گروه کوچک و نخبه ای از سران حزب بلشویک به عنوان انقلابیون حرفه ای پیشتاز، به هیچ وجه با دیکتاتوری پرولتاریا منافات ندارد.»

آن چه استاد از قول لنین نقل می کنند برداشت های شخصی ایشان است که با نظرات لنین هیچ سنخیتی ندارد. لنین بارها و بارها تأکید می کند ابزار «دیکتاتوری پرولتاریا» و یا «دموکراسی توده ای»، «شوراهای کارگران و دهقانان و سربازان» است. توجه داشته باشید که ترکیب طبقاتی روسیه قبل از انقلاب که لنین آن را «عقب افتاده ترین کشور امپریالیستی جهان» می نامیدش به گونه ای بود که اکثریت جمعیت آن را دهقانان بی چیز تشکیل می دادند و اقلیت نیرومندی نیز از طبقه کارگر در این کشور شکل گرفته بود بنابراین اتحاد کارگران و دهقانان اکثریت مطلق جامعه را تشکیل می دادند و اگر سربازان را که به علت جنگ طولانی اول جهانی تعدادشان بسیار زیاد بود بر آنان بیفزاییم از کمیت باز هم بیشتری برخوردار می شدند. چرا استاد معتقدند که لنین بر خلاف مارکس بر این نظر بود که «اعمال قدرت دیکتاتوری به دست گروهی کوچک و نخبه ای از... با دیکتاتوری پرولتاریا منافات ندارد» برای روشن شدن هر چه بیشتر مطلب چند نقل قول از لنین ضروری می نماید «دموکراسی بورژوایی در عین حال که نسبت به نظامات قرون وسطایی پیشرفت تاریخی عظیمی به شمار می رود همواره دموکراسی محدود و سرودُم بریده و جعلی و سالوسانه باقی می ماند (و در شرایط سرمایه داری نمی تواند که باقی نماند)» و «دموکراسی پرولتری یک میلیون بار دموکرات تر از دموکراسی بورژوایی است. حکومت شوروی یک میلیون بار دموکراتیک تر از دموکراتیک ترین جمهوری های بورژوایی است.» و «در واقع گونه ای از دیکتاتوری پرولتاریا در حال حاضر شکل گرفته است. یعنی قدرت شوراها در روسیه، نظام سهمیه بندی در آلمان، کمیته های نمایندگان کارگاه ها در بریتانیا و نهادهای مشابه شورایی در دیگر کشورها.» و اما انتقاد او به دموکراسی بورژوایی «دموکراسی و نظام پارلمانی کهن بورژوایی چنان سازمان یافته بود که فاصله توده زحمتکشان با تشکیلات حکومت بیش از همه بود از سوی دیگر قدرت شورایی یعنی دیکتاتوری پرولتاریا چنان سازمان یافته که زحمتکشان را به تشکیلات حکومت نزدیک کند» و «دموکراسی بورژوایی نسبت به نظام قرون وسطایی مترقی بود و می بایست از آن استفاده کرد ولی اکنون دیگر برای طبقه کارگر کافی نیست اکنون باید نه به فیقرا بلکه به جلوه سوی تعویض دموکراسی بورژوایی با دموکراسی پرولتری نگریست.»

می توان با این جملات موافق و یا مخالف بود. حتی می توان از نگاه امروزی و با تکیه بر انبوه تجاربی که بشر پس از گذشت بیش از هشتاد سال از مرگ لنین اندوخته است به نقد این نظریات پرداخت اما هرگز نمی توان با نتیجه گیری استاد از این نظریات موافق بود. بر خلاف نظر استاد، رزالوکزامبورک نیز از حکومت شوراها پشتیبانی می کرد و اختلاف نظر او با لنین نیز در موارد خاص و معینی بود و در اصول همیشه هم پیمان و همراه لنین بود. رزالوکزامبورک از رهبران جنبش کارگری آلمان بود که برای ایجاد حکومتی مشابه شوروی دست به اقدام زدند و قیام آنان هم چون جمهوری خواهان پاریس به خون کشیده شد. چرا استاد تمام تاریخ را برای اثبات درستی و حقانیت دموکراسی تحریف می نمایند آیا به راستی آزادی احتیاج به چنین روشی دارد. گوهر آزادی درخشنده تر از آن است که نیازی به چنین برخوردهایی احساس شود. خواننده تیزهوش به آسانی در می یابد که هراس استاد از کنار هم قرار گرفتن «نان» و «آزادی» است و درست به همین دلیل است که ایشان از قول پاره ای به اصطلاح پژوهشگران «ریشه توتالیتاریسم کمونیستی» را «دموکراسی برابری خواهانه و منجی طلبانه انقلاب کبیر فرانسه» می دانند به این ترتیب از نظر استاد آزادی برابر با بی عدالتی و دموکراسی برابر با گرسنگی است. آیا نباید به آن مردمی که به چنین آزادی پشت می کنند حق داد و آیا استاد ناخواسته منادی دیکتاتوری نیستند؟ جدا کردن دو مقوله آزادی و برابری می تواند پیامدهای فاجعه باری را به همراه بیاورد. بررسی وضعیت کشورهایی که در گذشته سوسیالیستی نامیده می شده اند نشان می دهد آن گاه که مردم را مجبور به انتخاب بین آزادی و برابری کنند گروهی از آنان آزادی و گروهی دیگر برابری را انتخاب می کنند ولی اکثریت مردم هم آزادی و هم برابری را بر می گزینند.

در بخش دوم مقاله تحت عنوان «عزیزترین شکل دیکتاتوری» چنین می خوانیم: «از توتالیتاریسم می توان به استبداد مشارکتی تعبیر کرد یعنی استبدادی که به نام کل شهروندان و مشارکت داوطلبانه یا اجباری بخشی از آنان اعمال می شود.»

اصطلاح استبداد مشارکتی با همان هدفی ابداع شده است که طرح مسأله ریشه یابی کردن «توتالیتاریسم کمونیستی در دموکراسی برابری خواهانه، اصطلاح مشارکتی یک اصطلاح چپ گرایانه است بحث هایی چون اقتصاد مشارکتی و دموکراسی مشارکتی و.... همه و همه از سوی شاخه های مختلف چپ مورد بحث قرار گرفته تا در برابر درک نو لیبرالی از اقتصاد و نومحافظه کارانه از آزادی آلترناتیوی گشوده شود و اینک آقای فولادوند از اصطلاح استبداد مشارکتی جهت بد نام کردن چپ استفاده می کنند سپس در تعریف توتالیتاریسم می فرمایند: «به طور کلی، توتالیتاریسم به معنای حکمرانی حزب واحدی است که ادعا می کند از طرف همه ملت سخن می گوید.» اگر تعریف فوق از توتالیتاریسم را پذیریم اتگاه این تعریف فقط احزاب نازیسم و فاشیسم در اروپا و پاره ای احزاب مشابه در کشورهای دیگر را شامل می شود نه احزابی را که به دیکتاتور پرولتاریا اعتقاد داشته اند چرا که این احزاب هرگز ادعا نکرده اند که از جانب همه ملت سخن می گویند بلکه ادعا داشتند که از سوی یک طبقه (کارگر) سخن می گویند. بالطبع آن حکومتهای مدعی سوسیالیسم خود را نمایندگان کارگران و زحمتکشان آن کشورها می دانستند و نه مثلاً طبقه سرمایه دار. چرا استاد به رغم آن که اذعان دارند که «جمع کردن فاشیسم و کمونیسم زیر یک عنوان مورد قبول بعضی از محققان نیست،» ادامه می دهند که «اما به هر حال چون این نوع حکومت را از سایر دیکتاتوری ها ممتاز می کند، سودمند است،» ضمناً اگر تعریف ایشان از دیکتاتوری را با تعریف خودشان از توتالیتاریسم مقایسه کنیم نتیجه گرفته می شود که توتالیتاریسم دیکتاتوری نیست، در حالی که توتالیتاریسم را باید یکی از اشکال دیکتاتوری به حساب آورد، یعنی تعریف دیکتاتوری باید چنان عام باشد که توتالیتاریسم را هم دربر بگیرد. به نظر می آید دیدگاه ضد چپ استاد باعث شده است که تمام تعاریف ایشان به شکلی درآید که به نوعی اندیشه چپ و احزاب چپ را دربر گیرد و لاجرم به جنبه های تناقض آمیز آن توجهی نشده است.

در بخش سوم در مقاله «سوغات رژیم های توتالیتر» از رژیم های کمونیستی روسیه و اروپای مرکزی و شرقی نام برده می شود و ادامه داده می شود: «رژیم های کمونیستی در جمهوری خلق چین، کوبا، کره شمالی و ویتنام وجود دارند که با صفت توتالیتر از آنها یاد می شود.» آقای فولادوند در هیچ کجا توضیح نمی دهند که اصطلاح رژیم های کمونیستی را از کجا به عاریت گرفته اند هیچ حکومتی در جهان تاکنون خود را حکومت کمونیستی معرفی نکرده است. کمونیسم دورانی است که در آینده ای دور رخ خواهد داد برای رسیدن به کمونیسم پیش شرط های بسیاری لازم است که مهمترین آن رشد نیروهای مولده است. در اینجا هم می توان با این دیدگاه موافق یا مخالف بود اما نام بردن از اصطلاح رژیم های کمونیستی غیر قابل قبول است و همینطور تأکید جابه جای استاد بر این اصطلاح.

در بخش چهارم استاد در زیر عنوان عوامل اقتصادی چنین می نگارند: «کشورهای اروپای شرقی وشوروی فقیروگرسنه نبودند. مشکلشان این بود که تصمیمات اقتصادی در آنها بر پایه اراده سیاسی گرفته می شد،» اما ایشان فراموش کردند که روسیه قبل از انقلاب اکتبر گرسنه بود. مرگ میلیون ها نفر در روسیه باعث انقلاب ۱۹۰۵ شد و همین عامل به انقلاب ۱۹۱۷ منجر شد و همین انقلاب گرسنگی را از میان برد. مقابله مسلحانه احزاب مخالف با حکومت شوروی باعث ممنوعیت این احزاب شد. لنین تأکید کرد که این ممنوعیت حاصل وضعیت خاص کشور شوراها بود و نه دیگر کشورها. لازم به تذکر مجدد است که نقد نظریات مارکس و لنین و آنچه که به نام کشورهای سوسیالیستی شناخته می شد برای نسل جدید ایران امری لازم و ضروری است اما در این نقد باید به نظریات آنان نگاهی امانت دارانه داشت فقط در این صورت می توان به آگاهی عمومی کمک کرد. به نظر می آید که استاد دارای دیدگاهی هستند که به نگاه نومحافظه کاران امروزی نزدیک است و از این زاویه به نظریات دیگران می نگرند. لازم به تذکر است که این نگارنده خود با تکیه به انبوه تجارب بشری به اندیشه های چپ در گذشته نگاهی نقادانه دارد ولی می کوشد که در این راه جانب انصاف را نگاه دارد. امید آن که در شرایطی دیگر امکان سخن بیشتر فراهم آید.

DELTABAN
GITEX
دبی
فول چارتر کامپیین
هتل ۴ ستاره
اورال ایرتال
هتل های ۵،۴،۳ ستاره
دلتابان
وقت و سرویس سفارت
شریعتی بالاتر از میرداماد
سیحانه: ناهار، شام
تعطیلات باز است
۲۲۲۲۲۴۲۶

مرکز تورهای ارزانترین بلیط های آمریکا و اروپا
باکو-کیش
تایلند
بانکوک
پاتایا
کوالالمپور
چین
دوبی
GTX
مالزی • سنگاپور
هندوستان
دهلی-آگرا-جیپور
فضاگشت ۶۶۵۰۵۱۱۱ (۱۰خط)
۶۶۴۳۷۱۷۱ (۱۰خط)
مهرتور ۸۸۷۵۱۶۵۳ (۱۰خط)

استانبول
دبی
GITEX
سوریه
آنتالیا
کیش
بانکوک
مشهد
وقت و سرویس سفارت
بلیط داخلی و خارجی
آسوده سیر: ۸۸۹۰۴۰۰۰

تحصیل در انگلیس
پانسیون کامل در صورت نیاز
زبان کوتاه مدت (حداقل ۳ هفته)
زبان بلندمدت برای IELTS و غیره
دبیرستان - پیش دانشگاهی
کارشناسی - کارشناسی ارشد
انتخاب از ۱۰ کالج و ۲۰ دانشگاه معتبر
از غرفه ما در اولین نمایشگاه آموز شگاههای برتر کشور ۴ تا ۸ مهرماه دیدن فرمایید.
مکان: خیابان دکتر فاطمی، خیابان حجاب، مرکز آفرینشهای فرهنگی و هنری
www.aminparvar.com
تلفن: ۲۲۰۱۷۱۷۴ - ۲۲۰۱۷۱۷۳

جشنواره تابستانی کیش
هتل • هلیا • لاله • اریان
• پارس نیک - ساحلی سیمرغ
تحویل درب منزل و محل کار
تخفیف ویژه پارک دلفین ها - بازدید رایگان هتل، داریوش
خلیل: ۸۸۹۱۳۰۶۷
ایرکیش: ۸۲۹۴۴۰۸۰
جمعه گشت: ۸۸۹۴۰۰۵۶

چین
(نمایشگاه کوانجو 2005)
دوبی
GITEX
Iran Air
بدروم - مارماریس - آنتالیا - استانبول
ستاره الهیه الیه، مریم شرقی ۲۲۰۵۲۰۱۱ ۲۲۰۱۳۰۸۰
ایام تعطیل بازاست

آگهی فراخوان مناقصه
شرکت سنگ آهن مرکزی ایران - بافق درنظر دارد نسبت به واگذاری خدمات شهرک آهنشهر از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه متقاضیان واجد شرایط که دارای تأیید صلاحیت از وزارت کار و امور اجتماعی می باشند دعوت می نماید برای دریافت و تکمیل اسناد ارزیابی توان اجرای کار و تحویل آن حداکثر تا ۵ روز پس از انتشار آگهی به امور پیمانکاران این شرکت واقع در بافق (یزد)، شرکت سنگ آهن مرکزی مراجعه نمایند. در ضمن برای کسب اطلاعات بیشتر می توانید با شماره تلفن: ۷-۴۲۵۴۴۶۶-۰۳۵۲ تماس حاصل نمایید.
ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

PEGASUS
مارماریس - بدروم - کوش آداسی
آنتالیا - ازمیر
ایام تعطیل بازاست
۲۲۲۲۲۸۰۰

تابستان ۸۴ Iran Air
پروازهای مستقیم
تماس از ۹ صبح تا ۹ شب
تعطیلات باز است
بودروم
مارماریس
آنتالیا
دوبی
مالزی
چین
تایلند
فروش بلیط کلیه خطوط هوایی
۷۷۵۲۳۲۳۸

تابستان ۸۴ با دنیای قاره
مجری مستقیم کلیه تورها
در هتل ۴ و ۵ ستاره TOP
All Inclusive
آنتالیا
آنتالیا • استانبول
آنتالیا • قبرس
کوش آداسی • ازمیر • بدروم
گوانجو بلیط + ویزا
چین • مالزی • سنگاپور • تایلند
دبی
امارات و ایران ایر
ویژه سیاحت
مارماریس از ۳۶۵۰۰۰
تماس تا ۹ شب
تعطیلات باز
ولیعصر، سه راه فاطمی (۲۰ خط)
۸۸۹۱۵۸۵۲ و ۸۸۹۱۵۸۵۸ و ۸۸۹۱۶۵۰۰

ایران ورزش
پذیرش آگهی
تلفن: ۸۸۷۳۶۵۹۰
نمابر: ۸۸۷۳۶۹۶۸

آگهی مناقصه
خرید دستگاه اکسیژن ساز
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جندی شاپور اهواز
تاریخ ارایه مدارک مناقصه به متقاضیان
از تاریخ ۸۴/۶/۲۱ تا یک هفته
به نشانی: اهواز، معاونت درمان، خیابان خرم، طبقه چهارم
تلفن تماس: ۶-۳۳۳۷۰۶۴-۰۶۱۱
داخلی ۱۳۹ تلفاکس ۳۳۳۳۰۹۲-۰۶۱۱

بدروم کوش آداسی مارماریس ازمیر
آنتالیا
ziloo
کیش
TOORAN
ایام تعطیل باز است
۸۸ ۷۷ ۱۲ ۱۱ ۸۸ ۷۷ ۱۲ ۲۲ ۸۸ ۷۷ ۹۵ ۵۱